

اکثریت، اقلیت‌ها و تکثرگرایی دینی در رومانی

کاتلین آینت

درآمد: این مقاله به شکل‌های تجربی تکثرگرایی دینی در رومانی به عنوان یکی از مذهبی‌ترین کشورهای اروپایی می‌پردازد و پویایی ارتباط بین آیین ارتدکس به عنوان اکثریت و بابتیست‌ها و ادونتیست‌ها را که گروه‌های اقلیت هستند بررسی می‌کند.^۱

این مقاله به شکل‌های تجربی تکثرگرایی دینی در کشوری تحت سلطه‌ی شدید آیین ارتدکس می‌پردازد و بعضی از جالب‌ترین وجوه آن را توصیف می‌کند. این تحقیق بخشی از پژوهشی گسترده‌تر درباره‌ی سکولاریزاسیون است. میان سکولاریزاسیون و تکثرگرایی دینی، پیوندی ناگسستنی وجود دارد. تکثرگرایی دینی در رومانی موضوعی پیچیده و جالب است. ابتدا به پیشینه‌ی دینی رومانی نگاه می‌کنیم، پیشینه‌ای که با تکثرگرایی دینی بر سر مهر نیست. سپس به یافته‌های تجربی غیرمنتظره‌ای می‌پردازیم که محدودیت‌های مفاهیمی نظیر اکثریت و اقلیت را نشان می‌دهد، یافته‌هایی که حاکی از آن است که به رغم سلطه‌ی انحصاری یک دین، هنوز فضایی برای ظهور تکثرگرایی دینی وجود دارد. در ادامه نشان می‌دهیم که چگونه یک گروه دینی خاص، یعنی کلیسای ادونتیست روز هفتم، از این فضا بهره می‌برد و ویژگی‌های دینی و اقتصادی خاصی را به هم می‌آمیزد که نمونه‌ی بدیعی از تجلی اخلاق پروتستانی وبری در محیطی کاملاً غیرپروتستان است. در پایان به این امر می‌پردازیم که آیا نظریه‌ی انتخاب عقلانی، که تکثرگرایی دینی در کانون آن جای دارد، برای تبیین وضعیت رومانی مناسب است یا خیر.

حکومت و آیین ارتدکس در رومانی

در سال ۲۰۱۲، فیلم رومانیایی "فراسوی تپه‌ها" در جشنواره‌ی کن به شدت تحسین شد. این فیلم، زندگی دو دختر در صومعه‌ای ارتدکس را ترسیم می‌کند. یکی از آن دو مؤمنی واقعی است اما دیگری به ایمان تظاهر می‌کند تا کنار دوستش باشد، دوستی که ظاهراً عاشق او است. در ورودی صومعه چنین نوشته‌اند: "این خانه‌ی خدا است. ورود آنهایی که دین دیگری دارند، ممنوع است." این نوشته گویای نظر کلیسای ارتدکس رومانی درباره‌ی دیگر گروه‌های دینی است، و ماهیت تکثرگرایی دینی در رومانی، یا به تعبیر دقیق‌تر، فقدان آن را به روشنی نشان می‌دهد.

^۱ آنچه می‌خوانید، برگردان و بازنویسی گزیده‌هایی از مقاله‌ی زیر است:

Catalin Ionete (2015) 'Majority, Minorities and Religious Pluralism in Romania', in Greg Simons & David Westerlund (eds.) *Religion, Politics and Nation-building in Post-Communist Countries*, Ashgate Publishing Company.

براساس جدیدترین سرشماری (۲۰۱۱)، ۸۶ درصد از جمعیت رومانی پیرو کلیسای ارتدکس^۲ هستند، ۴/۵ درصد عضو کلیسای کاتولیک رُم،^۳ ۰/۸ درصد عضو کلیسای کاتولیک یونان،^۴ ۳ درصد عضو کلیسای اصلاح شده ی پروتستان،^۵ ۰/۶ درصد عضو کلیسای باپتیست،^۶ ۲ درصد عضو کلیسای پنجاهه باوران،^۷ ۰/۵ درصد عضو کلیسای ادونتیست روز هفتم،^۸ ۱/۸ درصد پیرو دیگر ادیان، ۰/۱ درصد بی دین و ۰/۱ درصد خداناباورند؛^۹ ۰/۴ درصد هم دین خود را مشخص نکردند. بنابراین، کمتر از ۱ درصد (۰/۶ درصد) از جمعیت رومانی را نمی توان عضو هیچ گروه دینی ای دانست، اما از منظری دیگر می توان چنین استنباط کرد که غیر از ۰/۱ درصدی که خود را خداناباور می خوانند، حدود ۱ درصد از مردم به نوعی دینداری شخصی پایبندند. این آمار شگفت آور نیست زیرا تقریباً همه می دانند که رومانی یکی از مذهبی ترین کشورهای اروپایی است. افزون بر این، به نظر می رسد که سلطه ی انحصاری کلیسای ارتدکس همچنان پابرجا مانده اما در پس این ارقام، واقعیتی بسیار پیچیده تر نهفته و این پژوهش کیفی به همین پیچیدگی و تنوع می پردازد.

کلیسای ارتدکس رومانی محصول فرایندی تاریخی است که با تأسیس کشور رومانی آغاز شد، فرایندی که دین و ملیت را به هم آمیخت. با ظهور خودآگاهی ملی در اروپای شرقی، کلیسای ارتدکس فرصت را غنیمت شمرد و با وام گیری از گفتمان ملی کلیسای کاتولیک ترانسیلوانیا،^{۱۰} که مبتنی بر ماهیت لاتینی زبان و تبار رومانیایی بود، به تدریج خود را به جوهره ی تعریف "رومانیایی بودن" تبدیل کرد. مشروعیت سیاسی کلیسای ارتدکس چنان افزایش یافت که پیش از قدرت یافتن کمونیست ها، قانون اساسی رومانی این کلیسا را به عنوان کلیسای ملی به رسمیت شناخت. حتی در دوران حکومت کمونیستی هم کلیسای ارتدکس در موضع قدرت بود. در مقایسه با دیگر گروه های دینی، این کلیسا رابطه ی بسیار نزدیکی با ساختارهای قدرت داشت و همین امر به آن اجازه می داد تا سلطه اش بر زندگی دینی رومانیایی ها را حفظ کند. رابطه ی میان حکومت کمونیستی و کلیسای ارتدکس شبه همزیستی بود زیرا هر دو به یکدیگر نیاز داشتند.

هر چند کلیسای ارتدکس سپهر نمادین رومانی را کم و بیش اشغال کرده اما شمار فزاینده ای از روشنفکران این کشور بر این باورند که وضعیت پیچیده تر شده و نباید درباره ی سلطه ی کلیسای ارتدکس اغراق کرد. به نظر آنها، کلیسای ارتدکس در سطح کلان موفق است اما در سطح عامه ی مردم با مشکلات مهمی روبرو است. به عبارت دیگر، این

² Orthodox Church

³ Roman Catholic Church

⁴ Greek Catholic Church

⁵ Reformed Church

⁶ Baptist Church

⁷ Pentecostals

⁸ Seventh Day Adventists

⁹ atheist

^{۱۰} منطقه ای تاریخی واقع در مرکز رومانی فعلی. بخش عمده ای از شهرت این ناحیه مدیون کوه های زیبای کارپات و رُمان دراکولای برام استکر است.

کلیسا قدرت سیاسی و اقتصادی دارد اما کمیت و کیفیت اعضای فعالش کاهش یافته است. اکثریت بزرگی از رومانیایی‌ها خود را ارتدکس می‌خوانند اما تعداد کسانی که در عمل به این آیین پایبندند، بسیار کمتر است. می‌توان گفت که آیین ارتدکس رومانیایی نه سنتی مبتنی بر ایمان بلکه سنتی بی‌ایمان است. به عبارت دیگر، ماهیت این آیین، سیاسی و حقوقی است و نه دینی به معنای دقیق کلمه. این نوع "ارتدکس بودن" مستلزم اطاعت و پذیرفتن نظر اکثریت است و نه مشارکت یا عقیده به کسی یا چیزی. به نظر رومانیایی‌ها، این آیین نه ایمانی شخصی بلکه قانونی فراگیر برای سازمان‌دهی و اداره‌ی گروه هویتی قرون‌وسطایی و ملت مدرن بوده است. این آیین بیش از آن که ارزش‌های اخلاقی را به رومانیایی‌ها بیاموزاند، فرهنگ مشترکی را به آنها داده که مبتنی بر هویت قومی‌ای متفاوت از دیگران است. به طور تاریخی، حاملان این سنت دینی نه متألهین فرهیخته بلکه کشیش‌های روستایی اغلب بیسوادی بودند که تنها به شعائر و مناسک، بها می‌دادند و برای آموزه‌های اخلاقی یا الهیاتی چندان اهمیتی قائل نبودند.

بنابراین، از یک سو با یکپارچگی ساختاری روبرویم، و از سوی دیگر می‌دانیم که این ساختار ترک خورده است. اما نباید همزیستی حکومت و کلیسا را نادیده گرفت. از یک طرف، حکومت برای افزایش مشروعیت خود از کلیسای ارتدکس و جایگاهش در تاریخ رومانی بهره می‌برد. از طرف دیگر، کلیسای ارتدکس برای حفظ و تحکیم موضع خود در بازار دینی نوظهور رومانی از حکومت استفاده می‌کند.

دو جنبه‌ی آیین ارتدکس: اکثریت فرهنگی و اقلیت فعال

هدف از این تحقیق، پُر کردن خلأ نظری موجود در فهم دینداری فردی در رومانی بود. به این منظور، تیگانستی، روستایی پنج هزار نفری در جنوب رومانی، را برگزیدیم. جنوب رومانی یکی از فقیرترین بخش‌های کشور، و در عین حال از نظر دینی، از یکدست‌ترین قسمت‌های کشور است. در رومانی، تنوع دینی و قومی پیوند محکمی دارند؛ مرکز و غرب کشور از نظر قومی و دینی متنوع‌ترین نواحی هستند. هدف از انتخاب روستایی در جنوب کشور، با تنوع قومی بسیار کم، این بود که بتوانم بدون مداخله‌ی عامل قومی، پویایی عامل دینی را تحلیل کنم. روش تحقیق عبارت بود از مشاهده و شرکت در مراسم دینی محلی هر سه گروه دینی مورد نظر، و مصاحبه با اعضای عادی و روحانیون هر سه گروه. هدف اصلی، مطالعه‌ی فعل و انفعالات میان اکثریت و اقلیت‌های دینی، با تمرکز بر مسائل مربوط به معضل تکثرگرایی دینی، بود.

باپتیست‌ها و آدونتیست‌ها تنها گروه‌های دینی غیرارتدکس در این روستا بودند. بنابراین، همه‌ی نظراتم درباره‌ی پویایی زندگی دینی در این بستر خاص به تعاملات میان کلیسای ارتدکس رومانی و این دو گروه نئوپروتستان محدود می‌شود. وجه اشتراک تیگانستی با دیگر روستاهای جنوب رومانی این است که اکثریت اهالی‌اش ارتدکس هستند. اما وجه تمایز این روستا از دیگر روستاهای این ناحیه آن است که شمار چشمگیری از ساکنانش (۶۰۰ نفر) عضو دو گروه نئوپروتستان‌اند. و دقیقاً به همین علت بود که تیگانستی را از میان دیگر روستاهای این منطقه برگزیدم.

در تیگانستی حدود ۴۰۰ آدونتیست شنبه‌ها در سه گروه جداگانه به کلیسا می‌روند. حدود ۲۰۰ باپتیست هم یکشنبه‌ها در دو گروه جداگانه به کلیسا می‌روند. اکثریت اهالی ارتدکس هستند اما تنها حدود ۲۰۰ نفر از آنها یکشنبه‌ها برای شرکت در مراسم مذهبی به یکی از دو کلیسای ارتدکس موجود می‌روند. این واقعیت نشان می‌دهد که در سطح محلی با معضلی نظری روبرویم زیرا تا جایی که به مشارکت فعال و دینداری عملی ربط دارد، "اکثریت ارتدکس" بی‌معنا است. تیگانستی به روشنی نشان می‌دهد که به ابزار مفهومی جدیدی نیاز داریم تا از تعمیم ساده اما نه چندان سودمند "رومانی‌کشوری ارتدکس است" فراتر رویم. البته اکثر تحلیلگران می‌گویند اکثریت مردم رومانی ارتدکس هستند؛ هر چند این عبارت از تعمیم پیشین دقیق‌تر است اما باز هم با مشاهدات تجربی سازگاری ندارد زیرا با بررسی زندگی دینی در محیطی مثل تیگانستی، مفهوم اکثریت ارتدکس رنگ می‌بازد.

برای رفع این مشکل نظری از مفاهیم اکثریت فرهنگی و اقلیت فعال بهره می‌برم تا دو وجهی بودن آیین ارتدکس رومانیایی را نشان دهم. افزون بر این، برای درک بهتر وضعیت گروه‌های اقلیت، یعنی باپتیست‌ها و آدونتیست‌ها، از مفاهیم اقلیت نمادین و اکثریت فعال استفاده می‌کنم.

در واقع، همه‌ی کسانی که از رومانی ارتدکس سخن می‌گویند به اکثریت فرهنگی آیین ارتدکس اشاره می‌کنند. هژمونی آیین ارتدکس در رومانی امری مسلم است. این هژمونی باعث می‌شود که باپتیست‌ها و آدونتیست‌ها در کشور خودشان نوعی "دیگری" مشکوک و حتی بیگانه به شمار روند. سابقه‌ی حضور گروه‌های نئوپروتستان در رومانی به ابتدای قرن بیستم بازمی‌گردد. در آن زمان، آیین ارتدکس به تفاوت دینی میدان نمی‌داد و این جنبش‌های دینی جدید با کشمکش و تقلاً جایی برای خود باز کردند. اخلاف این تازه‌واردها هنوز خاطره‌ی مبارزه‌ی آنها برای تثبیت خود را از یاد نبرده‌اند. اما اهمیت واقعی اکثریت فرهنگی آیین ارتدکس را باید در سطح کلی‌تر رابطه‌ی کلیسا و حکومت جست زیرا کلیسای ارتدکس جایگاه ممتازی در سپهر عمومی دارد و از پشتیبانی حکومت بهره می‌برد.

وجه اقلیتی کلیسای ارتدکس بسیار جالب‌تر است. پیشتر گفتیم که آمار نشان می‌دهد که تنها اقلیتی از ارتدکس‌ها یکشنبه‌ها به کلیسا می‌روند. افزون بر این، ارتدکس‌هایی که به کلیسا می‌روند خودشان را بخشی از "اقلیت" می‌خوانند. عبارت‌هایی نظیر این را از بسیاری از ارتدکس‌ها می‌توان شنید: او به خوبی می‌داند که هر چند همه‌ی ما ارتدکس هستیم اما بین وی که ارتدکسی دیندار است و اکثریت عظیمی که تنها در کریسمس و عید پاک (و گاهی برای مراسم تعمید، ازدواج یا خاکسپاری) به کلیسا می‌روند و از اصول اعتقادی آیین ارتدکس بی‌خبرند، تفاوت مهمی وجود دارد.

به اختصار می‌توان گفت تعمیم‌هایی مثل "رومانی‌کشوری ارتدکس است" با واقعیت زیسته همخوانی ندارد و اگر عضویت فعال و مشارکت دائمی در زندگی دینی را در نظر بگیریم، گروه‌های دینی اقلیت به اکثریت تبدیل می‌شوند.

پاراڈکسِ نودینان^{۱۱}

برای این که تنش‌های موجود میان اکثریت و اقلیت/ها و بعضی از پیامدهای ناشی از این تنش‌ها را نشان دهم به "پاراڈکسِ نودینان" می‌پردازم، هر چند ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این واژه در زبان رومانیایی به معنی تَوَاب^{۱۲} است. تَوَاب در اصل اصطلاحی مسیحی است و به فرایند تغییر دینی (و روانشناختی و رفتاری) ای اشاره دارد که انسان را با خدا آشتی می‌دهد. اما در رومانی تَوَاب برچسبی تحقیرآمیز است که به اعضای گروه‌های نئوپروتستان نظیر اَدونیتست‌ها، باپتیتست‌ها و پنجاه‌باوران می‌زنند. برای اکثریت ارتدکسِ کشور، واژه‌ی در اصل مسیحیِ تَوَاب، بار معنایی منفی‌ای دارد. با نگاه به تاریخ رومانی در ابتدای قرن بیستم درمی‌یابیم که نودینان را به علت ترک آیین ارتدکس و پذیرش دین جدید از محیط اجتماعی خود بیرون می‌رانند، تصویر نامناسبی از آنها ترسیم می‌کردند و اغلب آزار می‌دادند. از سوی دیگر، گروه‌های نئوپروتستان هم خود را مسیحی‌تراز ارتدکس‌ها می‌دانستند. در نتیجه، تَوَاب به دیگریِ مشکوکی تبدیل شد که هر چند میان هموطنانش می‌زیست اما از بسیاری جهات شبیه آنها نبود. بنابراین، برچسبِ تَوَاب به تدریج ماهیتی پاراڈکس‌گونه یافت زیرا در آن واحد، هم دشنام بود و هم دال بر نوع بهتری از مسیحیت.

این "پاراڈکس" مبتنی بر شواهدی تجربی است که نشان می‌دهد از یک طرف، اکثریت ارتدکس، گروه‌های نئوپروتستان را به شکلی منفی متفاوت می‌داند و به آنها سوءظن دارد زیرا عقیده دارد که رومانی‌کشوری ارتدکس است. از طرف دیگر، ارتدکس‌ها باپتیتست‌ها و اَدونیتست‌ها را مؤمن‌تر یا دیندارتر از خود می‌دانند.

باپتیتست‌ها و اَدونیتست‌ها احساس می‌کنند که همه‌ی حرف‌ها، کارها و حرکاتشان زیر ذره‌بین است. باپتیتست‌ها و اَدونیتست‌ها می‌دانند که عامه‌ی مردم انتظار دارند که آنها به شیوه‌ی معینی زندگی کنند. به عبارت دیگر، اکثریت ارتدکس انتظار دارد که باپتیتست‌ها و اَدونیتست‌ها بر اساس اصول اخلاقیِ سفت و سختِ خود و مطابق با مسیحیتِ بهتری که خود را بخشی از آن می‌دانند، زندگی کنند. نکته‌ی جالب این است که اکثریت ارتدکس به طور ضمنی پذیرفته که باپتیتست‌ها و اَدونیتست‌ها پیرو نوع بهتری از مسیحیتند.

تقریباً همه‌ی اهالی ارتدکسِ تیگانستی که با آنها مصاحبه کردم، می‌گفتند اگر یک ارتدکس و یک اَدونیتست عمل غیراخلاقی یکسانی را انجام دهند، دومی را بسیار بیشتر از اولی درخورِ نکوهش می‌شمارند زیرا از اَدونیتست‌هایی که خود را پاکدامن‌تر از بقیه می‌دانند، انتظار بیشتری دارند. این امر نشان می‌دهد که ارتدکس‌ها به طور ضمنی پذیرفته‌اند که اَدونیتست‌ها بیشتر از آنها به موازین اخلاقی پایبندند.

یکی از دیگر نشانه‌های تنش در فضای نمادینی که اکثریت ارتدکس و اقلیت‌های نئوپروتستان در آن به سر می‌برند، این است که گروه‌های نئوپروتستان بار معنایی منفی را از برچسبِ تَوَاب می‌زدایند و با استناد به معنای اصلی

¹¹ converts

¹² repentant

مسیحی آن چنین می‌گویند: ما توایم و به این امر افتخار می‌کنیم. شما هم اگر می‌خواهید رستگار شوید، باید توبه کنید. به عبارت دیگر، در این فضای نمادین مشترک، فرایندی دیالکتیکی وجود دارد که آدونتیست‌ها و بابتیست‌ها را به الگوی سلوک اخلاقی تبدیل می‌کند، بی آن که سوءظن فراگیر نسبت به آنها از میان برود.

این امر حاکی از قشربندی فضای نمادینی است که بخش عمده‌اش را کلیسای ارتدکس اشغال کرده و غیرارتدکس‌ها، به طور عام، و نئوپروتستان‌ها، به طور خاص، تنها بخش کوچکی از آن را به خود اختصاص داده‌اند و همواره مجبورند بر مشروعیت خویش تأکید کنند تا این خُرده‌فضا را از دست ندهند. اما این فضای دوقطبی، در عین حال فضایی مشترک برای گفتگو و تعامل است، همان فضایی که مایلیم آن را فضای تکثرگرایی دینی بنامم. مشترک بودن این فضا امکان تغییرات مهم در نظم نمادین را فراهم می‌آورد، و این همان چیزی است که در پارادوکس توآب می‌بینیم، پارادوکسی که نشان می‌دهد چگونه اقلیت به معیار اخلاقی والاتر کل جامعه بدل می‌شود.

به نظر من، اگر ایدئولوژی‌ها یا سازه‌های نظری را کنارگذاریم و به واقعیت تجربی توجه کنیم، تکثرگرایی دینی در اصل عبارت است از فضایی که در آن تفاوت یا اقلیت بتواند بر حق حیات و فعالیت خود تأکید کند. دیگر تعاریف تکثرگرایی دینی، از جمله استقبال از آزادی انتخاب یا تفاوت دینی به معنای اخص کلمه، یا حتی به هم آمیختن تعالیم ادیان گوناگون برای مصرف فردی- حدافل در رومانی- مصداق عملی ندارد. با وجود این، تکثرگرایی دینی به معنای فرایند ایجاد فضایی برای بقا و شکوفایی تفاوت دینی در رومانی، پدیده‌ای جدید است. و به همین دلیل، فرصت منحصر به فردی را برای فهم بهتر تکثرگرایی دینی فراهم می‌کند.

نمونه‌ی رومانیایی نظریه‌ی وِبر درباره‌ی آیین پروتستان و سرمایه‌داری

در نظام کمونیستی، کارمندان دولت مجبور بودند که شش روز در هفته کار کنند. آدونتیست‌ها نمی‌خواستند شنبه‌ها، روز تعطیلی مذهبی خود، کار کنند. چون در نظام کمونیستی، تجارت خصوصی ممنوع بود، آدونتیست‌ها ناگزیر به فراگیری مهارت‌های لازم برای انواع صنایع دستی پرداختند تا آقای خود باشند و شنبه‌ها کار نکنند. پس از سقوط کمونیسم و بازگشایی مرزها، آدونتیست‌ها از نخستین کسانی بودند که فرصت را غنیمت شمردند و مهاجرت کردند. شاید چون پیشتر به نوعی حاشیه‌نشینی عادت کرده بودند از مهاجرت و حاشیه‌نشینی در جامعه‌ی جدید چندان نمی‌ترسیدند. البته بهتر است که بگوییم ریسک‌پذیرتر از دیگر رومانیایی‌ها بودند. افزون بر این، حاشیه‌نشینی در دوران کمونیسم به آنها فرصت داده بود تا فنون و صناعی را بیاموزند که در دهه‌ی ۱۹۹۰ در کشورهای مثل اسپانیا پُررونق بود.

حتی اگر پدیده‌ی مهاجرت را نادیده بگیریم، باز هم جالب است که پس از فروپاشی کمونیسم، آدونتیست‌ها راحت‌تر از دیگران با اوضاع جدید کنار آمدند. پافشاری بر تعطیلی شنبه و استقامت زیر مشت آهنین کمونیسم، که آزادی دین را محترم نمی‌شمرد، آدونتیست‌ها را خودکفا کرده بود. همچون بسیاری از دیگر نقاط، در تیگانستی هم شمار فراوانی از بناها، نجارها، خیاط‌ها و صاحبان دیگر حرف و صنایع، آدونتیست هستند. عجیب آن که اهالی ارتدکس

این روستا می‌گفتند آدونتیست‌ها دزدند. پس از تحقیق و مصاحبه‌های مفصل دریافتیم که حتی یک آدونتیست هم به سرقت محکوم نشده و این اتهام تنها ناشی از آن است که آدونتیست‌ها از ارتدکس‌ها ثروتمندترند، خانه‌های بزرگ و خودروهایی گران‌قیمت دارند، و به مُد و لباس علاقه‌ی زیادی دارند که در روستاهای رومانی نامرسوم است. خانه‌های بزرگ، نماد آشکار ثروتند. بنای این نمادهای چشمگیر باعث شده که آدونتیست‌ها در کانون سپهر نمادین تیگانستی قرار گیرند. اما در رومانی آدونتیست بودن یعنی متفاوت، مشکوک و مظنون بودن. همین امر به اتهامات بی‌اساسی همچون "همه‌ی آدونتیست‌ها دزدند"، دامن زده است. به طور کلی، مردم رومانی به همه‌ی ثروتمندان بدبینند اما ثروتمندی که آدونتیست باشد به طور مضاعف در معرض سوءظن خواهد بود.

پول خرج کردن به اندازه‌ی پول درآوردن مهم است. آدونتیست‌ها از یک سو بعضی از ویژگی‌های اصلی زندگی زاهدانه، از جمله پرهیز مطلق از الکل و سیگار، را حفظ کرده‌اند، و از سوی دیگر گرایش فزاینده‌ای به تجمل، از جمله لباس‌ها و خودروهایی گران‌قیمت و خانه‌های بزرگ، دارند. البته با توجه به رواج شدید مصرف الکل و سیگار در میان عامه‌ی مردم رومانی، پرهیز مطلق خانواده‌های آدونتیست از این دو ماده نقش مهمی در پس‌انداز و رفاه نسبی آنها در مقایسه با خانواده‌های ارتدکس دارد.

جالب این که اکثر کسانی که می‌گفتند "آدونتیست‌ها دزدند"، در ادامه‌ی مصاحبه اقرار می‌کردند که آدونتیست‌ها سخت‌کوشند و زیرکی خاصی در تجارت دارند که عامل اصلی موفقیت آنها به‌شمار می‌رود. افزون بر این، آدونتیست‌ها علاقه‌ی خاصی به سرمایه‌گذاری دارند. برای مثال، یکی از فعالیت‌های عمده در تیگانستی و روستای مجاورش کشاورزی، و به‌ویژه کشت خربزه، است. کشت خربزه نه تنها سرمایه‌گذاری عمده‌ای را می‌طلبد بلکه مستلزم ریسک‌پذیری است زیرا همه چیز به آب و هوا بستگی دارد (نظام آبیاری پس از سقوط کمونیسیم نابود شده است). کشت خربزه فعالیت‌ی خانوادگی است و در نتیجه، سرمایه‌ی لازم را کل خانواده تأمین می‌کند. در روستای مجاور تیگانستی، ۹۰ درصد زمین‌هایی که به کشت خربزه اختصاص یافته به آدونتیست‌ها تعلق دارد. احتمالاً این امر ناشی از رقابت داخلی است و نه همبستگی درون‌گروهی زیرا آدونتیست‌ها بر سر پول درآوردن رقابت شدیدی با یکدیگر دارند.

همه‌ی این شواهد مؤید آن است که آدونتیست‌ها مصداقِ امروزی رومانیاپی نظریه‌ی وبر درباره‌ی اخلاق پروتستان و سرمایه‌داری‌اند. این امر وقتی جالب‌تر می‌شود که به نگرش متفاوت آیین ارتدکس به زندگی، به طور عام، و کار، به طور خاص، توجه کنیم. پروتستان‌ها عقیده دارند که جز ذره‌ای ناچیز در ید قدرت الهی نیستند و از گناه آدم و حوا خلق شده‌اند و بنابراین همواره باید برای جلب رضایت خدا بکوشند و کار کنند. شعار آنها این است: "وقت طلا است". برعکس، ارتدکس‌ها عقیده دارند که جزئی از خدایند و خدا آنها را به صورت و مثال خود آفریده؛ به همین دلیل، در مراسم عقد مذهبی تاج بر سر می‌گذارند زیرا برای چند لحظه پادشاه جهانند. و چون شبیه خدایند، خدا به آنها کمک می‌کند. خدا به جای آنها کار می‌کند و آنها در عوض، استراحت می‌کنند، تسبیح می‌گردانند و دعا

می‌خوانند. بنابراین، علاوه بر فساد، آشوب سیاسی و سلطه‌ی دیرپای کمونیسم، نگرش خاص آیین ارتدکس به کسب و کار هم در نابسامانی اقتصادی رومانی (و دیگر کشورهای ارتدکس نظیر یونان و بلغارستان) نقش دارد.

ویر از چهار گروه به عنوان حاملان تاریخی آیین پروتستان زاهدانه نام می‌برد: کالوینیست‌ها، متدیست‌ها، پارسایان^{۱۳} و فرقه‌های منشعب از آنا‌بپتیست‌ها. کلیسای آدونتیست روز هفتم یکی از فرقه‌های منشعب از آنا‌بپتیست‌ها است. الهیات و آموزه‌های آدونتیست‌ها و شیوه‌ی زندگی آنها آمیزه‌ی جالبی از یهودیت و مسیحیت است. روز تعطیل آنها، برخلاف دیگر مسیحیان و همچون یهودیان، شنبه است، و از بسیاری از احکام عهد عتیق پیروی می‌کنند. به نظر وبر، وجه ممیز اصلی زهد این جهانی این نوع آیین پروتستان عبارت است از تأکید بر اخلاقیات سفت و سخت و شریعت‌مداری عهد عتیق برای جلب رضایت الهی. بسیار جالب است که ویژگی‌های مورد نظر وبر را می‌توان در آدونتیست‌هایی دید که در بافتار تاریخی، اقتصادی و اجتماعی کاملاً متفاوتی همچون روستایی در رومانی معاصر به سر می‌برند.

نظریه‌ی انتخاب عقلانی در جنوب رومانی: بلیت ارزان‌تری برای بهشت

برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که نظریه‌ی انتخاب عقلانی را نمی‌توان برای تبیین پدیده‌های دینی خارج از آمریکای شمالی به کار برد. اما بعضی از یافته‌های تحقیق من نشان می‌دهد که این نظریه به فهم برخی از جنبه‌های زندگی دینی در تیگانستی کمک می‌کند.

دو قضیه‌ی مهم نظریه‌ی انتخاب عقلانی را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: هر چه نظام اقتصاد دینی تکثرگراتر باشد، شرکت‌ها تخصصی‌تر خواهند شد؛ تخصصی شدن مستلزم آن است که شرکت‌ها نیازها و سلیقه‌های خاص بخش‌های ویژه‌ای از بازار را تأمین کنند.

اگر تکثرگرایی را صرفاً معادل وجود درجه‌ای از تنوع دینی بدانیم، در این صورت تیگانستی اقتصاد دینی تکثرگرایانه‌ای دارد و معقول است که بخواهیم ببینیم پیش‌بینی این فرضیه درباره‌ی این روستا چه قدر اعتبار دارد. شرکت خواندن کلیساهای ارتدکس، آدونتیست و بپتیست هم نادرست نیست. اما فهم این بخش دشوار است: "شرکت‌ها با تأمین نیازها و سلیقه‌های خاص بخش‌های ویژه‌ی بازار، تخصصی خواهند شد". آنچه توجه مرا به این نظریه جلب کرد، وضعیت خاکسپاری‌ها در تیگانستی بود. مراسم خاکسپاری حتی در سکولارترین کشورهای اروپا هم رنگ و لعابی مذهبی دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که خاکسپاری در محیطی روستایی در رومانی پوششی دینی داشته باشد.

کلیسای ارتدکس، شرکت دینی اصلی‌ای است که از بعضی جهات در بازار دینی رومانی سلطه‌ی انحصاری دارد. این کلیسا تأمین‌کننده‌ی عمده‌ی خدمات دینی، از جمله مراسم خاکسپاری، برای مردم است. وقتی نوبت به خاکسپاری

¹³ Pietists

می‌رسد، دیگر مهم نیست که آیا متوقفاً کلیسارو بوده، با تعالیم دینی آشنایی داشته یا به این تعالیم پایبند بوده است. چون خاکسپاری پیوندی ناگسستنی با مراسم مذهبی دارد، کلیسای ارتدکس سررشته‌ی امور را به دست می‌گیرد و کلید نمادین درهای بهشت را به درگذشتگان می‌دهد. اما این کار رایگان نیست. خانواده‌ی متوقفاً باید به طور غیررسمی مبلغی را به کشیش بپردازند، مبلغی که برای فقرا سنگین است. افزون بر این، کلیسا بازماندگان را موظف به رعایت همه‌ی شعائر خاکسپاری می‌داند، که این مناسک نیز هزینه‌بر است.

اینجا دیگر شرکت‌های دینی حاضر در بازار به عرصه‌ی رقابت وارد می‌شوند و همان خدمات، یا خدمات مشابه، را به قیمتی بسیار ارزان‌تر ارائه می‌کنند. با وام‌گیری از تعبیر نظریه‌ی انتخاب عقلانی می‌توان گفت کسانی که از خدمات آدونتیت‌ها و باپتیست‌ها بهره می‌برند، مجبور نیستند که برای "مارک" معروف کلیسای ارتدکس، پول اضافی بپردازند. تحقیقات و مشاهدات تجربی‌ام در تیگانستی نشان داد که بسیاری از ارتدکس‌های فقیرتر برای استفاده از خدمات خاکسپاری ارزان‌تر به سراغ کلیساهای آدونتیت یا باپتیست می‌روند. همه‌ی مصاحبه‌شوندگان با این پدیده آشنا بودند و درباره‌اش نظر می‌دادند.

از منظر صرفاً مالی، روی آوردن به آدونتیت‌ها یا باپتیست‌ها برای مراسم خاکسپاری کاملاً منطقی است زیرا کشیش آدونتیت یا باپتیست هیچ پولی نمی‌گیرد (بر عکس، با خوشحالی فراوان این کار را رایگان انجام می‌دهد زیرا دفن یک ارتدکس برای او اعتباری نمادین را به ارمغان می‌آورد). علاوه بر این، برخلاف کلیسای ارتدکس، چیزی به اسم آیین مردگان در کلیساهای آدونتیت و باپتیست وجود ندارد؛ در نتیجه، بازماندگان مجبور نیستند که تا مدت‌ها پس از خاکسپاری به انجام شعائر و مناسک پُرهزینه ادامه دهند. اما ارتدکسی که برای خاکسپاری ارزان‌تر به سراغ آدونتیت‌ها یا باپتیست‌ها می‌رود، هزینه‌ی نمادینی را می‌پردازد زیرا به خیانت به دین آبا و اجدادی متهم و حیثیتش لکه‌دار می‌شود.

این امر برای فهم معضل تکثرگرایی دینی بسیار مهم است زیرا حاکی از اعتبار کلیساهای آدونتیت و باپتیست به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات مربوط به خاکسپاری است. در تیگانستی هیچ کس مراسم خاکسپاری را ناچیز نمی‌شمارد و هر قدر بی‌پروا باشد، رستگاری‌اش را فدای خاکسپاری ارزان‌تر نمی‌کند. به عبارت دیگر، گروه‌های نئوپروتستان، به رغم اقلیت بودن، بازیگرانی مشروع در بازار دینی به شمار می‌روند.

اگر مراسم خاکسپاری را کالایی بدانیم که از منطق حاکم بر بازار پیروی می‌کند، در این صورت پیش‌بینی‌های نظریه‌ی انتخاب عقلانی درباره‌ی تیگانستی صادق است. البته هر چند واقعیت (خاکسپاری به مثابه‌ی کالا) با نظریه‌ی انتخاب عقلانی سازگار است اما سازوکار این سازگاری با آنچه در این نظریه توصیف شده، فرق دارد. این نظریه می‌گوید، "شرکت‌ها با تأمین نیازها و سلیقه‌های خاص بخش‌های ویژه‌ی بازار، تخصصی خواهند شد"، که به اندازه‌ی کافی واضح است. اما چنین اتفاقی در تیگانستی رخ نداده است. کاملاً اشتباه است که تصور کنیم فقدان "آیین مردگان" در الهیات آدونتیتی و باپتیستی، یعنی همان علت اصلی ارزان‌تر بودن خاکسپاری در این دو گروه،

"پیامد" تخصصی شدنی است که این نظریه از آن سخن می‌گوید. در واقع، تقاضا برای خدمات ارزان‌تر از همان عرضه‌ی موجود در بازار بهره می‌برد، نه این که این عرضه را ایجاد کند. به عبارت دیگر، تحقیقات من در تیگانستی نشان می‌دهد که نظریه‌ی انتخاب عقلانی خارج از آمریکا هم کارایی دارد اما اعتبارش محدود است.

حال اجازه دهید به یکی از دیگر فرضیه‌های این نظریه بپردازم، فرضیه‌ای که برای بحث درباره‌ی سکولاریزاسیون اهمیت نظری فراوانی دارد. به عقیده‌ی نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی، تکثرگرایی دینی عامل اصلی سرزندگی حیات مذهبی است، در حالی که نظریه‌پردازان سکولاریزاسیون می‌گویند تکثرگرایی میخی است که مدرنیته بر تابوت دین می‌کوبد. بی آن که به جزئیات این مناقشه بپردازم، تنها می‌خواهم یکی از پیش‌بینی‌های نظریه‌ی انتخاب عقلانی درباره‌ی تکثرگرایی و سرزندگی حیات دینی را بیازمایم. به این منظور، سرزندگی حیات مذهبی را بر اساس مشارکت دینی می‌سنجم.

نظریه‌ی انتخاب عقلانی می‌گوید، "هر چه نظام اقتصاد دینی، تکثرگراتر و رقابتی‌تر باشد، میزان کلی مشارکت دینی بالاتر خواهد بود." بر عکس، هر چه سلطه‌ی انحصاری یک یا دو شرکت مورد حمایت دولت بیشتر باشد، میزان کلی مشارکت پایین‌تر خواهد بود.

به احتمال زیاد، بهترین راه برای سنجش این فرضیه، تحلیل کمی همبستگی تکثرگرایی و مشارکت دینی در کل کشور است. هر چند چنین تحلیلی را انجام نداده‌ام، اما می‌توانم تحلیل خردی از واقعیت تجربی در تیگانستی ارائه دهم. در این روستا، هر یکشنبه حدود ۱۰۰ نفر به هر یک از دو کلیسای ارتدکس می‌روند (در کل، ۲۰۰ نفر). رقم میانگین برای دیگر روستاهای هم‌اندازه‌ی تیگانستی نیز حدود ۱۰۰ نفر به ازای هر کلیسای ارتدکس است. در عین حال، ۲۰۰ نفر به دو کلیسای باپتیست، و حدود ۴۰۰ نفر به سه کلیسای آدونتیست می‌روند. پیشتر با استناد به این ارقام گفتم که باید میان اکثریت ارتدکس (نمادین) و اقلیت ارتدکس (عددی) تمایز گذاریم. حالا می‌خواهم بگویم که این فرضیه درست است: "هر چه نظام اقتصاد دینی، تکثرگراتر و رقابتی‌تر باشد، میزان کلی مشارکت دینی بالاتر خواهد بود." در تیگانستی، شنبه‌ها و یکشنبه‌ها ۸۰۰ نفر به کلیسا می‌روند، در حالی که رقم میانگین کلیساها در دیگر روستاهای هم‌اندازه‌ی آن تنها ۲۰۰ نفر است. این امر به روشنی نشان می‌دهد که اختلاف ۶۰۰ نفری در تعداد کلیساها ناشی از وجود کلیساهای آدونتیست و باپتیست است. اگر تیگانستی هم مثل دیگر روستاها از وجود آدونتیست‌ها و باپتیست‌ها بی‌بهره بود، اکثر کسانی که اکنون آدونتیست یا باپتیست کلیسا هستند، ارتدکس‌های غیرفعالی می‌بودند که کلیسا نمی‌رفتند. بنابراین، بدیهی است که تکثرگرایی دینی میزان کلی مشارکت دینی را افزایش داده است.

سخن آخر

با نگاهی به یافته‌های این تحقیق می‌توان دریافت که در چشم‌انداز دینی فعلی رومانی، مفاهیمی نظیر سلطه‌ی انحصاری دینی، و اقلیت و اکثریت دینی را باید طوری واسازی و بازسازی کرد که با تناقض‌ها و ویژگی‌های خاص

بافتار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رومانی همخوانی داشته باشد. اخیراً یکی از مورخان نامدار رومانیایی این کشور را سرزمین پارادوکس‌ها و جمع‌اضداد خوانده است. یافته‌های این پژوهش این نظر را تأیید می‌کند. آیین ارتدکس در سپهر نمادین، مرجع اصلی است اما در سطح فردی اهمیت ناچیزی دارد. به نظر می‌رسد که کلیسای ارتدکس فقط می‌خواهد سلطه‌ی خود بر ساختارهای انتزاعی‌تر قدرت را تداوم بخشد، بی‌آن‌که به واقعیت‌های زندگی روزمره کاری داشته باشد. در بطن همین واقعیت‌های روزمره است که گروه‌های دینی "سرزننده"تر، حضور محسوسی دارند. می‌توان با اطمینان نسبی پیش‌بینی کرد که پویایی حیات دینی در رومانی در آینده‌ی نزدیک ادامه خواهد یافت. وقتی اقلیت‌ها رشد کنند و قوی‌تر شوند، قطعاً در پی کسب جایگاهی در سپهر نمادین رومانی خواهند آمد و این امر به تکثرگرایی دینی ابعاد جدیدی خواهد بخشید.

در پایان بجا است که بپرسیم این تحلیل، که آدونتیست‌ها را حاملان اخلاق پروتستانی ویر می‌شمارد، درباره‌ی مسئله‌ی ملت‌سازی در رومانی پساکمونیستی چه می‌گوید؟ گروهی که در نظام نمادین، شبه‌منزوی است، در بنا یا بازسازی جامعه‌ی پساکمونیستی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ یکی از پاسخ‌های ممکن این است که گروه‌هایی نظیر آدونتیست‌ها می‌توانند در فرایند طولانی‌گذار از نظام کمونیستی به نظام سرمایه‌داری نقش مفیدی بازی کنند زیرا به علت حاشیه‌نشینی در نظام (شبه)کاری کمونیستی و اشتغال به کار واقعی و فعالیت‌های فردی هرگز به اندازه‌ی دیگر گروه‌ها کمونیست نبودند. در نظام‌های اقتصادی‌ای نظیر رومانی که با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند، ناچیز انگاشتن نقش چنین گروه‌هایی در رشد، غیرعقلانه است.

به نظر برخی از پژوهشگران، همبستگی مثبت شدیدی میان باورهای دینی و رشد اقتصادی وجود دارد. باورهای دینی محکم باعث رشد می‌شوند زیرا به افراد کمک می‌کنند تا رفتارهای خاصی را حفظ کنند که بهره‌وری را افزایش می‌دهد. این امر در مورد گروه‌هایی نظیر آدونتیست‌ها بیش از بقیه مصداق دارد زیرا نه تنها باورهای دینی محکمی دارند بلکه از اخلاق کاری‌ای بهره می‌برند که نظام سرمایه‌داری مدرن را پدید آورد.

برگردان و بازنویسی: عرفان ثابتی